



## مبانی تطور قدرت و حاکمیت مسلمانان تا قرن ۴ هجری\*

غلامرضا ظریفیان\*\*

مطالعات سیاسی در تاریخ اسلام، علیرغم اهمیت فوق‌العاده آن هنوز مراحل آغازین تحقیقی خود را در ایران می‌گذراند؛ این در حالی است که قدرت و ملزومات آن از سپیده‌دمان ظهور اسلام همواره یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین موضوعات زندگی مسلمانان به شمار می‌رفته و این مهم تا به امروز نیز جایگاه محوری خود را حفظ کرده است. در این زمینه در میان اعراب، تک‌نگاری‌هایی توسط صبحی صالح، خالدی، شبلی، سنهوری، عارف تامر، جابری، سلیم العواء، سمیر عالیه، دبوس، عبدالرزاق و افراد دیگر و همچنین برخی نویسندگان اروپایی از جمله روزنتال، وات، گیب، لمبتون، لوییس، بارتولد، گلدزیهر، مادلونگ و عده‌ای دیگر انجام شده است. اما واقعیت آن است که علیرغم کنکاشی که صورت گرفته، بررسی تحقیقی مبانی قدرت و فلسفه سیاسی و تحلیل مناسبات قدرت و اندیشه سیاسی در میان مسلمانان با توجه به گستردگی دامنه حاکمیت ایشان، با رکودی جدی مواجه بوده و رشد اندکی داشته است. این یک واقعیت است که مردمی بدوی و بی‌بهره از عناصر تمدنی و از جمله دولت در سایه تعالیم وحی و سنت پیامبر (ص) و با بهره‌گیری از اندیشه‌ها و تجارب سیاسی مناطق مفتوحه، قدرتی بزرگ و دولتی گسترده را بنیان گذاشتند که تا قرن‌ها نقشی تعیین‌کننده و تأثیرگذار در مناسبات جهان آن روزگار برقرار کرد. نظام سیاسی که در مدینه‌النبی با الهام از مبانی و ارزش‌های ارائه شده توسط وحی و مدیریت پیامبر (ص) تأسیس گردید، با رحلت ایشان دچار چالش‌های بنیادینی شد که علیرغم تلاش صحابه نخستین برای حفظ و تداوم آن مبانی و ارزش‌ها، با دگرگونی‌های ماهوی و ساختاری روبرو گردید. هرچند علیرغم تحولات یاد شده، نص دینی در مرکز دایره قدرت بالفعل و دانش سیاسی مسلمانان قرار داشته است، اما این که چرا از میان قرائت‌های مختلف خصوصاً با توجه به الگوهای حکومت پیامبر و صحابه

نخستین، فهم و وجهه اقتداری نصوص عموماً بر قدرت بالفعل و دانش سیاسی سایه افکنده است، از جمله پرسش‌های این پژوهش به شمار می‌رود. از آن‌جا که هر فرضیه و یا تحلیل از قدرت و مناسبات سیاسی مسلمانان در اندیشه اسلامی خصوصاً در دوره معاصر، نمی‌تواند بدون تکیه بر نصوص اصلی دین و رخداد‌های قرون نخستین مسلمانان به ارائه تصویری شفاف از این میانی و مناسبات بینجامد، دغدغه شناخت دقیق‌تر مبانی بالفعل مسلمانان و فهم سرشت حاکمیت سیاسی ایشان و چگونگی تطور و بروز و ظهور گونه‌های مختلف آن از انگیزه‌های اصلی انتخاب این موضوع به شمار می‌آید. از سوی دیگر پوشیده نیست که پیشینه اعتقادی و سیاسی مسلمانان صرفاً به تاریخ تعلق ندارد، بلکه دریافت صحیح وضعیت کنونی، ارتباط وثیقی به فهم صحیح و نزدیک به واقعیت گذشته و تحولات آن دارد. از این رهگذر سعی شده است با بهره‌گیری از روش تحقیق و تحلیل تاریخی و نظریه تحلیل گفتمان، چگونگی ایجاد، کارکرد و دگرگونی‌های مبانی قدرت (بالفعل) به مثابه یک گفتمان که سازنده معانی و فعالیت‌های عنصر قدرت هستند، درک و تحلیل شوند. فرض اساسی این پژوهش آن است که بسیاری از نظریه‌های فقهی، سیاسی و فلسفی در عرصه قدرت و سیاست که از اواخر قرن اول به بعد پردازش و تولید شده‌اند، برخاسته از مناسبات سلطه و قدرت و در توجیه و تشریح آن بوده‌اند. به طور مثال در دوران پس از پیامبر با استفاده ابزاری از عصیت‌های قومی و قبیله‌ای و آثاری که فتوحات و غنایم بر جان جامعه اسلامی نشانده مبانی جدیدی از قدرت و صورت‌بندی‌های نوینی در نظامات سیاسی مسلمانان تولید گردید. از سوی دیگر دانش سیاسی اسلامی مجموعه‌ای از میراث علمی و عملی و تجارب بازمانده از گذشته اسلامی و غیراسلامی است که در زندگی سیاسی ما حضور دارد، هر چند این میراث علیرغم تنوع، به دلیل سطره امر واقع<sup>۱</sup> با تفسیری اقتدارگونه از نصوص مواجه شد. در واقع وجه غالب الگوهای سه‌گانه شریعت نامه دینی، اندرز نامه و سیاست‌نامه نویسی و حتی فلسفه سیاسی مسلمین، فهمی از نصوص دینی را بر می‌گزیند که نمای عمومی و ظاهری آن توجیه قدرت بالفعل است و این تفسیر در سده‌های متمادی تا آستانه انقلاب مشروطیت بر دانش سیاسی مسلمین به عنوان "امر واقع بلا منازع" سایه افکنده و به شدت از ساخت سیاسی جهان اسلامی تأثیر پذیرفته است. هر چند دانش

سیاسی مسلمانان صرفاً در قرائت غالب اندیشه‌های رایج مسلمین منحصر نمی‌شود و گرایشاتی از اهل سنت، شیعه و خوارج و معتزله، قرائت استیلا را در منظومه فکری خود نپذیرفتند، اما عرصه عمومی اندیشه سیاسی مسلمانان قرائت استیلا را به مثابه امر بالفعل و نه بالاستحقاق پذیرفت. بستر اولیه شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی در نخستین سده اسلام از درون رخدادها و واقیعت‌های عینی جامعه اسلامی سر برآورد. کنکاش‌های نخستین، عمدتاً متکی بر بنیادهای نقلی و فقهی قرار گرفت. بعدها رویکردهای کلامی و فلسفی، اگرچه با تأخیر اما با قدرت بیشتری یا به عرصه وجود گذاشتند. تمامی این تلاش‌ها تا قرن اخیر متکی بر تعالیم دینی و امر واقع و بهره‌گیری از تجارب ملل مفتوحه بوده است. در این پژوهش سعی شده است به پرسش‌هایی چون چیستی مبانی بالفعل قدرت و سرشت حاکمیت مسلمانان تا قرن ۴، منطبق حاکم بر تطور و تحول قدرت و دانش سیاسی مسلمانان و این‌که مبانی قدرت و صورت‌بندی حاکمیت سیاسی مسلمین به چه میزان بر گرفته از نصوص دین و سیره پیامبر و یا وام‌دار الگوهای چون قبیل، زور و تقلب نظام سلطنت ایران‌شهری و فیلسوف شاهی یونان است، به اجمال پاسخ داده شود.

### ● سوالات و فرضیات اصلی

همانگونه که ذکر شد پژوهش حاضر در صدد بوده است مبانی قدرت بالفعل مسلمانان و پیدایش و تطورات حاکمیت آنان تا قرن ۴ هجری را در ارتباط با واقیعت‌های عینی و امر واقع بررسی نماید. سوالات اصلی این پژوهش به این شرح است:

۱. مبانی قدرت بالفعل و سرشت حاکمیت سیاسی مسلمانان چیست؟
۲. تطورات گونه‌های مختلف قدرت حاکمیت مسلمانان در واقع و اندیشه سیاسی چیست و طی کدام فرآیند بروز و ظهور یافته است؟

فرضیات اصلی پژوهش را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. مبانی قدرت و حاکمیت مسلمانان که با الهام از وحی و سیره پیامبر (ص) تکون یافت، مبتنی بر عینیت‌های سیاسی، اجتماعی (امر واقع) ثابت نمانده است.

۲. صورت‌بندی حاکمیت سیاسی مسلمانان نسبت مستقیمی با تعامل اجتماعی و امر واقع داشته و بر اثر ضرورت‌های سیاسی با قرائتی اقتدارگونه در وجه غالب آن شکل گرفته و مشروعیت یافته است.

این تحقیق از متون و منابع کلامی و روایی، منابع اصلی تاریخ اسلام و مطالعات جدید بهره جسته است.

### ● گفتار در روش

سلطه و قدرت در بررسی روش‌شناسانه، مفهومی جدال برانگیز است. مفهوم قدرت، مصداق‌های خود را از درون گفتمان‌های گوناگون می‌جوید، گفتمان‌ها نیز در نگرش‌های جدید خود نسبت به آنچه ویتگنشتاین آن‌ها را بازی‌های زبانی می‌خواند، برآمده از هویت‌های زبانی متمایز و سیال هستند. براین اساس کلیتی به نام گفتمان به طور پیوسته مشمول و موضوع عدم ثبات شکل و ماهیت است. به طور مثال در دیدگاهی که میشل فوکو آن را مطرح می‌کند، حیات و پیدایش مفاهیمی نظیر قدرت و حوزه‌های معرفتی مربوط به آن، سابقه‌ای به درازای زیست انسان دارد. اگرچه مفهوم قدرت به علت زمینه گسترده‌اش در حریم و بستر گفتمان‌های گوناگون، اشکال مختلفی به خود گرفته است اما همواره در میان ملت‌ها و دولت‌ها، جایگاه محوری و نقطه‌ای کانونی را در نظام‌های معنی‌دار حیات انسان داشته است. در یک نگاه کلان، در این پژوهش، روش مورد استفاده در فهم سرشت قدرت و حاکمیت سیاسی مسلمانان و تطور صورت‌بندی آن ترکیبی است. بر این اساس برای گویاتر شدن قدرت بالفعل و چگونگی تطور آن در میان مسلمانان، روش تحقیق و تحلیل تاریخی با بهره‌گیری از متون تاریخی، روایی، فقهی، کلامی و فلسفی اعمال شده است. همچنین روش نظری مورد استفاده این پژوهش با بهره‌گیری گزینشی از روش تحلیل گفتمانی صورت گرفته است. هنگامی که گفتمان به عنوان روش پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد، محقق خصوصاً در عرصه وقایع تاریخی در صدد بازگو کردن و نشان دادن معانی نهفته و پنهان متن و زمینه‌های آن است. وی در این بررسی با استفاده از مبانی فوکو و فیرکلاف نوعی تحلیل سه سطحی را مطرح می‌کند که در این پژوهش قابل توجهند؛ از نظر او هر رویداد گفتمانی دارای سه بعد است: نخست این‌که متن گفتاری یا نوشتاری است؛ دوم این‌که، این متن در چارچوب یک گفتمان تولید شده است و نکته سوم این‌که این گفتمان در بستری از شرایط اجتماعی و فرهنگی قرار دارد و با روابط قدرت جاری در زمینه، پیوند یافته است. بنابراین گفتمان میان متن و بستر اجتماعی و روابط قدرت جاری در آن نقش واسطه و میانجی را ایفا می‌کند. براین اساس سه سطح برای تحلیل گفتمان ترسیم می‌شود:

۱. سطح توصیف: در این مرحله متن، صرف نظر از فرآیند تولید و فرآیند اجتماعی و فرهنگی بویژه روابط قدرت مؤثر بر شکل گیری آن، مورد تحلیل قرار می گیرد. پژوهشگر در این سطح با سه پرسش اساسی مواجه است: الف) متن چه درکی از جهان به دست می دهد و دانش و عقاید بازتاب یافته در آن چه هستند؟ ب) واژگان، ساخت نحوی و ساخت متن بازتاب دهنده چه الگویی از روابط اجتماعی است؟ ج) هویت های اجتماعی ساخته شده توسط نویسندگان کلامند؟

۲. سطح تفسیر: در این سطح، کنش های گفتمانی مؤثر بر شکل گیری متن یا تفسیر آن مورد تحلیل قرار می گیرند.

۳. سطح تبیین: در این سطح از شبکه معنایی متون، فراتر می رود و به بیرون متن می رسد. متن در واقع بخشی از یک روند اجتماعی تلقی می شود و تعامل بین متن و قوانین، مورد تحلیل قرار می گیرد. این تبیین از یک سو نقش محدود کننده ساختارهای اجتماعی در کنش گفتمانی را نشان می دهد و از سوی دیگر نشانه تأثیرات گفتمان مورد مطالعه بر روی ساختارها و روابط قدرت است. این پژوهش در تفسیر قدرت و حاکمیت اسلامی تا قرن ۴ با برداشتی از روش تحلیل گفتمانی به بیان آرشیمی از احکام و گزاره های غالب دوره ای مورد بحث خواهد پرداخت. در واقع مهم ترین ویژگی این روش (البته نه با پذیرش همه وجوه آن) این است که صرفاً به تحلیل امور واقع نمی پردازد، بلکه شرایط امکان ظهور امور واقع را مورد توجه قرار می دهد.

بنابراین با استفاده از روش تحلیل گفتمان می توان به سطوح توصیف و تفسیر و نیز فرآیند تولید و توزیع و مصرف گفتمان قدرت مسلمانان تا قرن ۴ پرداخت: این پژوهش در سه بخش کلیات، مبانی قدرت بالفعل و صورت بندی حاکمیت مسلمانان و قدرت در دانش مسلمین تا قرن چهارم هجری و در ده فصل ارائه شده است.

فهرست بخش ها و فصول به شرح زیر است:  
**بخش نخست: کلیات**

فصل اول: ۱. انتخاب موضوع، ۲. سوالات و فرضیات اصلی تحقیق، ۳. درباره منابع و مأخذ؛  
فصل دوم: ۱. گفتار در روش، ۲. ویژگی های متن، ۳. روش تحلیل گفتمان، ۴. کلید واژه ها و مفاهیم؛

**بخش دوم: مبانی قدرت بالفعل مسلمانان و صورت بندی حاکمیت مسلمانان**

الگوی سلطنت اسلامی ایران (از آغاز تا قرن ۴)،  
۵. نهاد و وزارت، ۶. قدرت و حاکمیت مسلمین در منطقه غرب اسلامی.

**بخش سوم: قدرت در دانش مسلمین تا قرن ۴ هجری**

فصل اول: نظریه تقدم قدرت بر دانش: ۱. ابن خلدون، تولید دانش در بستر قدرت، ۲. عصبیت، علت فاعلی دولت، ۳. عصبیت و غلبه، ۴. قدرت و تطور آن در دانش مسلمین (تا قرن ۴ هجری)؛

فصل دوم: ۱. اهل سنت، ۲. فقه سیاسی اهل سنت در بستر حاکمیت بالفعل و ضرورت، ۳. ابوحنیفه، تلاش برای رهیافتی متفاوت، ۴. ابو یوسف، بازگشت به مسیر متعارف، ۵. شافعی، ۶. اجماع و عدالت صحابه، هم نهاد وحی و سنت، ۷. ماوردی، ۸. غزالی، ۹. شیعه، ۱۰. قدرت در فقه سیاسی شیعه تا قرن ۴ هجری، ۱۱. دوران بحران غیبت، ۱۲. شیخ مفید، ۱۳. جواز همکاری با سلاطین، ۱۴. سید مرتضی، ۱۵. شیخ طوسی، ۱۶. زبیده، ۱۷. اسماعیلیه، ۱۸. اخوان الصفا، مبانی قدرت و انواع حاکمیت؛

فصل سوم: اندرز نامه های سیاسی: ۱. قدرت در سیاست نامه خواجه نظام الملک؛

فصل چهارم: قدرت در فلسفه سیاسی مسلمانان: ۱. فارابی تلاش برای برون رفت قدرت از سلطه و غلبه، ۲. ابو علی سینا، سیاست و نبوت؛

**● نتایج و یافته های پژوهش**

- قرآن کریم و سیره پیامبر در مورد چیستی و ماهیت قدرت به ارائه نظریه روشنی نپرداخته اند، اما نسبت برخی از ویژگی ها، قیود و شرایط پیدا و ناپیدای تکوین و تولید قدرت نظیر اراده الهی، خصوصیات روحی و باطنی انسان ها، ارزش ها و گونه های تولید مشروعیت، توزیع و مهار قدرت، آموزه ها و مبانی اساسی ای ارائه کرده اند و بر این نکته تأکید شده است که نگرش وحی و سیره پیامبر به قدرت صرفاً از منظر سامان زیست دنیوی انسان ها نیست، بلکه مقاصد عالی تری چون سعادت و تربیت انسان ها و توجه به دنیای برتر (آخرت) نیز مورد توجه آنان بوده است. مبانی و ویژگی های قدرت از سوی خداوند در سیره عملی پیامبر به این صورت دسته بندی شده است:  
- شمول اقتدار و حاکمیت الهی، جانشین خدا بودن انسان بر روی زمین، پیشوا و هادی و امام بودن پیامبران با نغی هر گونه الوهیت، سلطنت و اجبار و زور از ساحت آنان توسط خداوند، پذیرش حاکمیت انسان بر سرنواخت خود، شکل گیری

**در واکاوی فقه سیاسی اهل سنت و شیعه در قرائت های مختلف قدرت، اندرز نامه های سیاسی و فقه سیاسی مسلمانان از منظر قدرت و سیاست، متأسفانه به دلیل شرایط عینی و سیاسی جامعه اسلامی، سرشت قدرت به جز دوران نخستین حاکمیت اسلامی، ساختی اقتداری و تغلب آمیز داشت**

فصل اول: مبانی و ویژگی های قدرت در قرآن و سیره پیامبر (ص): ۱. قرآن کریم، ۲. قدرت در سنت و سیره پیامبر (ص)؛

فصل دوم: گفتمان خلافت (متکی بر امر واقع): ۱. ماهیت تاریخی نظام سیاسی خلافت (عقیده، قبیله، غنیمت)، ۲. خلافت و امامت، ۳. تطور خلافت در حاکمیت بالفعل (حل و عقد و استخلاف)، ۴. فتوحات به عنوان بستری برای گسترش اقتدار قبائل و تغییر طبایع مسلمانان، ۵. رجحان امنیت بر عدالت (مبنای نوین)، ۶. نظریه شورا، ۷. علی (ع)، تلاش برای بازگشت به مبانی اولیه قدرت؛

فصل سوم: سلطنت اسلامی - سیاست متغلب (دوره اموی): ۱. مفهوم، شناسی سلطنت، ۲. نظریه استیلا - مبانی تطور قدرت از خلافت به سلطنت، ۳. موروثی شدن حکومت، ۴. موالی - بی عدالتی نژادی، ۵. تقدس استبداد و اطلاق حاکم؛  
فصل چهارم: سلطنت اسلامی - ایرانی (دوره عباسی): ۱. مبانی همگرایی و واگرایی سلطنت اسلامی، ایرانی، ۲. همزیستی عملی خلافت اسلامی و سلطنت ایرانی، ۳. تفاوت های سلطنت ایرانشهری و سلطنت اسلامی ایرانی، ۴. عباسیان،

حکومت دینی متکی بر انتخاب آزاد و آگاهانه میانی نظری آن توسط امت، تلاش قدرت و حکومت برای آماده سازی مردم در تحقق قسط و عدالت و نهایتاً تأکید بر این نکته که پیامبر تلاش نمود با اقبال آزادی مردم، حکومتی متکی بر عقیده، امت و عدالت را مبتنی بر آموزه‌های وحی ایجاد کند. در فصل دوم این بخش به بررسی تحولات گفتمانی قدرت در دوره خلفای راشدین پرداخته شده و توضیح داده شده که متکی بر امر واقع به دلیل استفاده ایزاری از قبیله و هموار شدن بستر بهره‌گیری از غنیمت، جامعه دچار مرجعیت دوگانه در مبانی قدرت و حکومت شده است. در این دوران واقفیت‌های عینی جامعه، حاکمان را به تفسیری اقتدارگونه از نص و سیره پیامبر در عرصه قدرت و حکومت سوق داده است. ترجیح تدریجی امنیت بر عدالت و به کارگیری بیعت برای اظهار وفاداری و اثبات خلافت به جای تعیین حاکم، گفتمان خلافت را علیرغم تلاش‌های علی (ع) برای بازگرداندن جامعه به مبانی و الگوی قدرت و حاکمیت دوران پیامبر با چالش جدی و مدل عقیده، غنیمت و قبیله حاکمیت روبرو ساخته است. - شکل‌گیری مبانی جدید در تعامل با امر واقع، ناچار گونه‌های مشروعیت حاکمیت بالفعل مسلمانان همانند نظریه حل و عقد، استخلاف و شورا را با صورت‌بندی دیگری از مشروعیت یعنی حاکمیت بالفعل متکی بر غلبه زوربرو ساخت؛ در این فصل به نقش مهم جریان مرجئه در توجیه پوشش جبری و ماورا الطبیعی قدرت و اتکاء آن به قضا و قدر اشاره شده است، در حالی که رهیافت خلافت، قبیله ایزاری برای حاکمیت دینی بود؛ در این رهیافت، دین ایزاری برای توجیه حاکمیت عرفی مبتنی بر غلبه و استیلا گردید و بیعت صرفاً به معنی اظهار وفاداری مردم و عدم بیعت، مفهوم خروج از حاکمیت را داشت که می‌توانست مجازات قتل در پی داشته باشد. تبعیض نژادی و طبقاتی از شاخص‌ترین ویژگی‌های این گفتمان است. در این گفتمان ارزش‌های برخاسته از مدل عصیبت، قبیله و غنیمت، نقش محوری و تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند.

- صورت‌بندی دیگری از حاکمیت مسلمانان در پوشش سلطنت اسلامی، ایرانی (دوره عباسی) تحقق یافته است. در این دوران باورهای اعتقادی جامعه به مبانی اولیه اسلام بخصوص در میان نو مسلمانان خارج از جزیره العرب منجر به قیام‌های گسترده‌ای علیه سلطنت متغلب و مبانی آن گردید. تکیه ویژه ائمه شیعی بر عدالت و واقعه حماسی

و تراژدیک کربلا نیز پشتوانه خوبی برای ایجاد یک نهضت بنیان‌کن بر علیه گفتمان قدرت متکی بر غلبه بود که به فروپاشی امویان انجامید، اما گفتمان غلبه با استفاده از چهره‌های جدیدتر بازتولید شد. جریان سه بعدی آموزه‌های دینی، استفاده از تجارب سترگ پادشاهی ایرانشهری و نظام بوروکراتیک درهم آمیخت و منجر به ازدواج عقیده اسلامی و سلطنت ایرانی شد که حاصل آن تولد اقتدارگرایی در عقلائیات سیاسی مسلمانان بود. در این گفتمان متکی بر امر واقع، الگوی برقراری تعادل میان خصلت بوروکراتیک و اداری اندیشه سیاسی گذشته ایران و مبانی متحول شده قدرت اندیشه اسلامی، ظهور عصیبت نوینی را بر پایه عصیبت دینی و عصیبت قومی ایرانیان تدارک دید که عصاره آن در سلطنت ایزانی، اسلامی انعکاس یافت.

- فرضیه‌ای که در تولید دانش سیاسی مسلمانان متکی بر امر واقع بر آن تأکید شده، تقدم قدرت بر دانش است. این نحوه نگرش نسبت به دانش، نتایج روش شناختی مهمی را در پی دارد؛ نخست آن که دانش را نه در استقلال خود، بلکه با تأکید بر مفاهیم و قواعد منبعث از زندگی روزمره، ارزیابی می‌کند که آمیخته با روابط قدرت است و بر ساختار مکانی و زمانی معرفت تأکید دارد. در این بخش نظریات ابن خلدون و جاحظ به عنوان درآمدی بر نظریه تقدم قدرت بر دانش مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین نظریات ابن خلدون کمک شایانی بر فهم چگونگی تبدیل عصیبت به دولت و فهم ویژگی‌های متغلب جامعه قبیله‌ای و انتقال این ویژگی‌ها به جامعه تبدیل شده مدنی دارد. - دانش سیاسی اسلامی مجموعه‌ای از میراث علمی و تجارب بازمانده از گذشته اسلامی و غیر اسلامی است که در زندگی سیاسی مسلمانان حضور دارد، هر چند این میراث علیرغم تنوع آن به دلیل سیطره امر واقع با تفسیری اقتدارگونه از نصوص مواجه شده است.

در واقع وجه غالب سه‌گانه فقه سیاسی، سیاست‌نامه نویسی و حتی فلسفه سیاسی مسلمین فهمی از نصوص دینی را (در برخی از موارد به ضرورت و برای جلوگیری از بروز فتنه‌ها و آشوب) بر می‌گزیند که نمای عمومی و ظاهر آن، توجیه قدرت بالفعل است و این تفسیر در سده‌های متمادی تا آستانه انقلاب مشروطیت بر دانش سیاسی مسلمین به عنوان امر واقع بلامنازع سایه افکننده و به شدت از ساخت سیاسی جهان اسلام متأثر است. هر چند دانش سیاسی مسلمانان صرفاً

در قرائت غالب اندیشه‌های رایج مسلمین منحصر نمی‌شود و گرایشانی از اهل سنت، شیعه، خوارج و معتزله، قرائت استیلا را در منظومه فکری خود نپذیرفتند، اما عرصه عمومی اندیشه سیاسی، مسلمانان قرائت استیلا را به مثابه امری واقع و نه بالاستحقاق پذیرفتند.

- در واکاوی فقه سیاسی اهل سنت و شیعه در قرائت‌های مختلف قدرت، اندرز نامه‌های سیاسی و فقه سیاسی مسلمانان از منظر قدرت و سیاست، متأسفانه به دلیل شرایط عینی و سیاسی جامعه اسلامی، سرشت قدرت به جز دوران نخستین حاکمیت اسلامی، ساختی اقتداری و تغلب‌آمیز داشت و دانش سیاسی‌ای که در این دوران در صورت‌بندی‌های مختلف تولید شد، علیرغم قرائت‌ها و خاستگاه‌های متفاوت آن در مبانی و ملزومات تحقق، سرانجام به نفع دانش سیاسی متکی بر گفتمان فراگیر غلبه و قرائت اقتدارگرایانه از نصوص دینی، از میدان کناره گرفت و نتوانست مسیر دیگری را فرا روی مسلمانان قرار دهد.

\* برگرفته از پایان‌نامه دکتری  
\*\* دکترای تاریخ از دانشکده ادبیات دانشگاه تاریخ